

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ج. بریالی
۰۷ نومبر ۲۰۱۸

وجه دیگری از قتل جنرال رازق



این که جنرال رازق کی بود و چه کاره بود و زندگی رسمی و شخصی اش چگونه سپری شد، تقریباً همه به نحوی از آن معلومات دارند.

اینجا و در این مختصر قرار نیست در مورد زندگینامه جنرال رازق معلومات ارائه شود بلکه پهلوی یکی از واقعیت هائی را می خواهم بشکافم یا آشکار بسازم که در بسیاری از نوشته ها و یادکردهای بعد از قتل وی در رسانه های اجتماعی افغانستان به آن پرداخته نشده و یا به نحوی بیان نگردیده است.

اول این که جنرال رازق مانند تمام دارودسته جنرال ها و سران جنگجو که همراه با قطار تهاجم امریکا و ناتو به افغانستان یورش بردند، ساخت و تولید شده در دستگاه های استخباراتی "سیا" و دیگر ارگان های استخباراتی بودند که برای تحقق برنامه های زودگذر و ستراتیژیک امریکا، با حمایت دالرهای امریکائی و تفویض قدرت های باد آورده به

آنها، به مقام ها و منصب های افسانه ئی رسیدند که عده ای از آنها باگذشت ۱۷ سال غیر قابل کنترل و مایه درد سرخود تولید کنندگان شان نیز شدند؛ زیرا ثروت ها و قدرت های باد آورده و تشکیلات مافیائی شان آنها را به پادشاه های محلی و حکمران های هر کاره و بی اعتنای مرکز گریز مبدل ساخت. عبدالرشید دوستم، مارشال فهیم، اسماعیل خان، عطا محمد نور و حضرت علی و جنرال رازق نمونه هایی از چنین مهره های بوده اند.

دوم چرائی محبوبیت نسبی جنرال رازق است. آنچه که مسلم است آن است که هم دولت امریکا و هم ناتو و نیز طی تمامی دوران حاکمیت حکومت های امریکائی به رهبری کرزی و اشرف غنی در این هفده سال، هیچ گاه گروه های تروریستی طالب را که در این همه ایام قتل و جنایت می کردند و می کنند و یا گروه گروه مردم را با انفجار ها و انتحاری های شان به قتل می رساندند، به حیث دشمنان واضح و آشکار مردم افغانستان معرفی نکردند و هر از گاهی هم بر آنها نام های «برادران ناراض» و «اپوزیسیون» و غیره می گذاشتند و تروریستان دستگیر شده آنها گروه گروه خلاف خواست عمومی مردم به حیث قربانیان اصلی جنگ، از زندان ها رها و دوباره به صفوف طالبان می پیوستند. تراکم این تنفر و انزجار مردمی از سیاست های طالب پرورانه این حاکمیت های فاسد و فاشیستی، طی همین سال ها در اشکال حمایت همگانی از فیگور های آنجامید که حداقل در میدان های نبرد تصفیة حساب رویاروی با طالبان داشتند؛ از آنجمله یکی هم جنرال رازق بود.

بناءً دفاع لایه های معینی از جامعه از جنرال رازق ترجمه واضح و آشکاری از ضدیت مردم با طالبان است. مردم با این دفاع خود واضح ساختند که خواستار مقابله با طالبان و حاکمیت سیاه آنها هستند. مردم نشان دادند که طالب و طالبانسم را باید جاروب کرد و نباید به حیث نیروی سیاسی شناخت و برایش در آینده افغانستان جایگاه سیاسی و حکومتداری قایل شد.

سوم این را هم باید واضح ساخت که مخالفت و دشمنی جنرال رازق با طالبان نه کدام بنیاد سیاسی فکری محکم داشت و نه از کدام جایگاه آگاهانه و ستراتیژیک دیگری برخوردار بود. مثلاً اظهارات مستقیم خود وی در محافل مشخص در برتری دادن به جایگاه ملا عمر و ملا دادالله که هر دو از رهبران طالب بودند، از تمامی رهبران تنظیم های جهادی، خود گواه و گرایش وی به آنها را به نمایش می گذارد. این زندانی شدن جنرال رازق همراه با پدر و کاکایش در زمان امارت طالبان و به تعقیب آن فرارش از نزد آنها و کشته شدن پدر و کاکای وی به دست طالبان بود که به حیث یک حقیقت مسلم روح عمیق انتقام گیری در وی را که بیش تر محصول تقابل قومی و خونی وی می باشد، علیه طالب تشکیل می دهد. این ترکیب روحی جدید در وی بود که جنرال رازق را با امکانات عظیم مالی و تسلیحاتی که امریکا در خدمت وی قرار می داد، به دشمن آشتی ناپذیر طالب تبدیل می ساخت

منبع: نشریه سوسالیم کارگری شماره ۴۱